

## انتخاب بعد از جمهوری اسلامی

### منشور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران

سرنگونی بی قید و شرط و کامل جمهوری اسلامی، باز داشتن عوامل آن از امکان مقاومت در مقابل مردم و پاشاندن بنیادهای زندگی مدنی و همچنین تضمین حق مردم در انتخاب آزاد و آگاه نظام حکومتی آینده کشور، اساس منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است. سرنگونی جمهوری اسلامی پیش شرط تضمین حق مردم در تعیین نظام آتی ایران است. معنی پیروزی جنبش سرنگونی، جایگزین شدن جمهوری اسلامی با یک دولت موقت با وظیفه اعلام فوری مطالبات انقلابی زیر به عنوان قانون و اجرای بی قید و شرط آنها است.

۱- اعلام سرنگونی و انحلال جمهوری اسلامی  
 ۲- انحلال و خلع سلاح سپاه پاسداران، ارتش و کلیه دارودسته های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، تحت کنترل گرفتن کامل کلیه امکانات تسلیحاتی، تدارکاتی و اموال و دارائی های این ارگانها و نهادها.  
 ۳- انحلال کامل وزارت اطلاعات.

۴- قابل دسترس کردن کلیه آرشیوها، بایگانی ها و پرونده های دولت از جمله سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات برای مردم.

۵- مصادره کلیه موقوفات و اموال و دارائی های نهادهای سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک اسلامی، اموال سران جمهوری اسلامی، "حوزه های علمیه" و نهادها و مدارس اسلامی و استفاده از آنها برای رفع نیازهای مادی، معنوی، تفریحی، سیاسی و اجتماعی مردم.

۶- انحلال کلیه "حوزه های علمیه"  
 ۷- دستگیری سران جمهوری اسلامی

۸- مسلح کردن مردم در میلیس های توده ای برای دفاع از آزادی، برای سرکوب مقاومت بازماندگان جمهوری اسلامی و تعرض هر نیرویی به آزادی ها و حقوق مردم.

۹- اعلام جدائی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش.  
 ۱۰- لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. اعلام آزادی مذهب و بی مذهبی.

۱۱- اعلام آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.

۱۲- اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۱۳- اعلام برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرف نظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

۱۴- آزادی کلیه زندانیان سیاسی.  
 ۱۵- لغو مجازات اعدام.

۱۶- دسترسی همگانی بویژه تشکلهای توده ای مردم و احزاب سیاسی به رسانه های جمعی دولتی.

۱۷- تضمین بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار بالای ۱۶ سال. پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه های ضروری به کلیه کسانی که به علل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند.

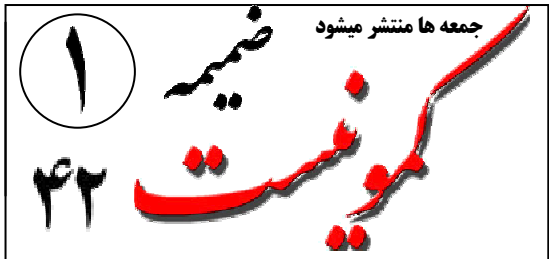
۱۸- ارجاع مساله تعیین نظام حکومتی آینده ایران و تهیه قانون اساسی به مجمع نمایندگان مستقیم مردم حداکثر ظرف ۶ ماه.

۱۹- برگزاری رفراندوم در مناطق کرد نشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی، برای دادن حق انتخاب آزاد و آگاه به مردم این مناطق برای ماندن در ایران بعنوان اتباع متساوی الحقوق با دیگران و یا جدائی از ایران و تشکیل دولت مستقل. این رفراندوم باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین یک دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان، به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در این همه پرسى، انجام شود.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همه مردم آزادبخواه، احزاب سیاسی، تشکل های توده ای و فعالین سیاسی را فرا میخواند که برای دفاع از جامعه ایران در مقابل هر نوع سازش با جمهوری اسلامی و برای حفاظت از جامعه در مقابل استیلای دارودسته های ارتجاعی و باند سیاهی اسلامی، قومی و عشیره ای و کانگسترهای سیاسی این منشور را مورد حمایت قرار دهند.

فوریه ۲۰۰۵

بهمن ۱۳۸۳



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۶ خرداد ماه ۱۳۸۴ - ۲۷ مه ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

سردبیر: اعظم کم‌گویان



koorosh.modarresi@gmail.com

## صورت مساله رژیم است! انتخاب بعد از جمهوری اسلامی!

گفتگو تلویزیون پرتو با  
 کورش مدرسی\*

\* این مصاحبه برای روشنی بیشتر و انتشار کتبی توسط مصاحبه شونده با تغییرات جزئی ادیت شده است

ایران را از انزوای بین  
 المللی در بیاورد؟

کورش مدرسی: ممکن است  
 رفسنجانی بتواند و ممکن  
 است نتواند، که نمیتواند. اما  
 صورت مساله "بازار انتخابات"  
 این نیست. کل این کمپین  
 "سیاست خارجی" تلاشی  
 است برای اینکه موضوع این  
 مضحکه را سیاست خارجی  
 ایران و رابطه با آمریکا  
 بنمایاند. اگر شما این صورت  
 مساله را قبول کنید از هر  
 طرف که بروید بازنده  
 هستید. دارید مردم را به  
 صف کسانی که "فکر  
 میکنند" یا "امیدوارند"  
 رفسنجانی رابطه با غرب را  
 درست میکند و کسانی "فکر  
 نمیکنند" تقسیم میکنید. از  
 هر طرف این موضع را  
 بگیرید، چه "امیدوار" به  
 رفسنجانی باشید و چه  
 نباشید در چارچوب رژیم و  
 در میدان "نظام" بازی  
 میکنید. لابد اگر کسی ثابت  
 کرد که میشود به رفسنجانی  
 "امیدوار" بود و یا خود او  
 عقب نشینی کند باید رای

تربیا شهبازی: بازار  
 انتخابات داغ است. نه  
 برای مردم، بلکه برای  
 دستجات داخل حکومت.  
 رفسنجانی که خودش را  
 کاندید کرده با پرچم  
 "سیاست خارجی"  
 متفاوت و با موضع بسیار  
 سازشکارانه ای در مقابل  
 امریکا، قول داده  
 مناسبات با غرب را  
 بهبود میدهد و مسئله  
 غنی سازی اورانیوم را  
 حل میکند و بالاخره  
 اینکه کار ایجاد میکند.  
 رفسنجانی بعنوان  
 تنوریسین نظام سالها  
 است با طرحهای مختلف  
 آمده. از طرح اقتصادی  
 ۵ ساله تا امروز که  
 روشن نشان داده که با  
 امریکا سر سازش دارد.  
 آیا رفسنجانی واقعا  
 میتواند بعنوان مرد  
 قدرتمند نظام و کسی  
 که کل نظام را پشت سر  
 خود داشته باشد،  
 تغییری در "سیاست  
 خارجی" ایران بدهد و

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

داد! موضع ما تحریم نیست. مردم انتخابات را تحریم میکنند این مراسم انتخابات نیست. وقتی یک انسان باشرف نمیتواند کاندید شود، وقتی آزادی نیست، تنها یک شاید میتواند اسم این را انتخابات بگذارد.

ما از پایه این میدان بازی را قبول نداریم. چه رفسنجانی بتواند و چه نتواند ما میخواهیم رژیم برود. هر انتخابی با وجود رژیم بی معنی است. بگذریم از این مضحکه که انتخابات خواندن آن توهین به شعور مردم است. مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند و صورت مسئله این است. صورت مساله این مضحکه انتخاباتی هم نظام جمهوری اسلامی است. خود وزارت اطلاعات این را اعلام کرده است. داستان سیاست خارجی پوچ است.

خیلی جالب است وقتی به رسانه های دو خردادی سابق و راست نگاه میکنید از یک طرف کسی صحبت نمیکند که این انتخابات نیست. این مضحکه ای است که در هیچ قاموسی نام آن را انتخابات نمیگذارند. این توهین به شعور مردم است، و از طرف دیگر موضوع اصلی، هم برای مردم و هم برای رژیم، یعنی رفتن نظام جمهوری اسلامی، به پشت پرده رانده شده است. مسئله ای که روی صحنه آورده اند این است که آیا رفسنجانی میتواند سیاست خارجی را تغییر دهد یا نه! به جهنم که میتواند یا نمیتواند. مساله جامعه ایران این نیست. مردم مسئله شان این است که جمهوری اسلامی باید برود و هیچ انتخابی با وجود جمهوری اسلامی ممکن نیست و هر انتخاباتی بعد از مرگ جمهوری اسلامی و بعد از قیام معنی دارد. داستان اصلاحات اسلامی تمام شد. اصلاحات اسلامی مرد. از اول مرده بود. اصلاحات در چارچوب جمهوری اسلامی ممکن نیست ممکن هم باشد به درد ما نمیخورد. جمهوری اسلامی ننگ بشریت و بانی بدبختی مردم است باید برود. مدل خاتمی تمام شد حالا میخواهند مدل رفسنجانی را به خورد مردم بدهند؟ مردم

این را قبول نمیکنند. نباید قبول کنند.

تفسیر اینکه جمهوری اسلامی کجا ایستاده، میتواند با امریکا رابطه بگیرد یا نه بعنوان یک تجزیه و تحلیل البته جا دارد. اما امروز این تحلیل دارد بعنوان یک ابزار سیاسی به میدان آورده میشود تا صورت مساله را عوض کنند. این کار بی بی سی و تحلیلگران سیاسی و روزنامه نگاران است که شغلشان این است که ظاهرا به مردم میگویند چه چیزهایی محتمل و یا نا محتمل است و مردم در میدان امکانات مفروض خود نگاه میدارند. در این دنیا از هر طرف که بروید صور مساله اینها را قبول کرده اید. اگر ما قبول کردیم که حمله امریکا به عراق در مورد جنایات صدام یا سلاح های کشتار جمعی است امروز هم قبول میکنیم که موضوع این نمایش انتخاباتی این است که رفسنجانی "میتواند" یا "نمیتواند"، "میخواهد" یا "نمیخواهد". کسی که مسئله اش زندگی مردم است، کسی که دارد در مورد زندگیش در ایران تصمیم میگیرد، سر سوزنی نباید رفسنجانی، معین، یا قالیباف مسئله اش باشد.

*ثریا شهابی: میخواهید بگوئید که به فرض که سیاست خارجی تغییر اساسی کرد، برای مردم چیزی تغییر نمی کند؟ به نظر من حرفهایی که رفسنجانی میزند خیلی سازشکارانه و در سطح جام زهر خوردن خمینی در ختم جنگ عراق است. آیا به فرض اینکه سیاست خارجی و غنی سازی اورانیوم حل شود این تاثیر روی جنبش سرنگونی نمیگذارد؟*

کوروش مدرسی: موافق تحلیل شما در مورد "عقب نشینی" رفسنجانی نیستم. رفسنجانی دارد پا جای پای جناح راست اپوزیسیون میگذارد و میخواهد جای اپوزیسیون راست را بگیرد و به نظر من مسئله اش این نیست که میخواهد رابطه ایران و غرب را درست کند. اینها دارند یک مانور تاکتیکی در مقابل

امریکا میدهند برای خنثی کردن اپوزیسیون راست و افکار عمومی راست. هدف تغییر صورت مسئله مضحکه انتخاباتی از جمهوری اسلامی به اینکه بالاخره با امریکا رابطه میگیرند یا نه است.

صورت مسئله انتخابات این نیست. جمهوری اسلامی با رابطه یا بی رابطه با امریکا به درد نمیخورد. قرار است بیست سال دیگر مردم منتظر بمانند که رفسنجانی کاری میکند یا نه؟ این اشتباه است. تاکید من این است که صورت مسئله انتخابات امریکا نیست. صورت مسئله خود جمهوری اسلامی است. مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند باید به این مضحکه نه بگویند، باید هر جا که میتوانند آنرا به هم بزنند. باید هر جایی که میشود مقابل حوزه های رای گیری پیکت کنند. باید مردم را روشن کرد و گفت که فریب نخورید فردای خود و فرزندانان را به جمهوری اسلامی نفروشید. در این افتضاح شرکت نکنید، مهم نیست رفسنجانی میخواهد چکار کند. این به مردم هیچ ربطی ندارد. رفسنجانی و همه کاندیداهای رئیس جمهوری به مردم ایران بیربط هستند.

در سطح تحلیلی ما بارها گفته ایم که این بحران آخر جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی به شرطی میتواند از این بحران اقتصادی بیرون بیاید، رشد مردم کار درست کند، رشد اقتصادی را تامین کند، سرمایه جذب کند و غیره که دستگاه مذهب را از سیاست بیرون کند. یعنی خامنه ای را بیرون کند اگر نه تا زمانیکه یکی آن جا هست که میتواند فتوا بدهد و بگوید سپاه پاسداران باید اینطور باشد، کی صلاحیت دارد یا ندارد در سیستمی که شهردار تهران خواب میبیند که مسیر امام زمان را میخواهد گل و بوته بچیند، کسی باید مغزش معیوب باشد که پولش را در ایران سرمایه گذاری کند؟ پولدارها پولشان را از ایران خارج میکنند.

جمهوری اسلامی دارد از مسئله "سلاحهای اتمی" برای

اخذای استفاده میکند. تضمین کردیم، اجازه دادیم مردم بیایند و بشنوند که انتخاب هایشان چیست، مکابیزم اقتصادی نمیتواند جذب کند. یک راه جذب سرمایه برای رژیم این است که شانتاژ کند و بگوید اگر به من سرمایه ندهید اسلحه اتمی درست میکنم.

*ثریا شهابی: همین را میخواستم بپرسم. شما میگوئید سلاح اتمی برای جلب سرمایه است یعنی تهدید است؟*

کوروش مدرسی: این یکی از خاصیتهای سلاحهای اتمی است. یک خاصیت دیگر آن این است که جمهوری اسلامی نگران زندگی اش است و میخواهد در مقابل امریکا از خودش دفاع کند. روزی که بحث حمله به عراق از طرف امریکا طرح شد ما همان موقع گفتیم این سیاست به عکس چیزی که ادعا میکنند سلاحهای کشتار جمعی و هسته ای را محدود نمیکند. اتفاقا هر کس که مخالفت یا اصطکاک با امریکا داشته باشد به این نتیجه میرسد که برای ماندن و دفاع از خود باید به سلاح اتمی مسلح شود.

منتهی به انتخابات برگردیم، باز تاکید میکنم که هیچکدام از اینها بحث انتخابات نیست. اشتباه است اگر بحث انتخابات را به این مسائل تبدیل کنیم. مردم باید برگردند و به جمهوری اسلامی بگویند گور همه شما گم. ما مسئله مان اینها نیست. این مضحکه هم انتخابات نیست، مسئله ما سیاست خارجی شما هم نیست. مسئله ما نبودن شما است. تف به صورتتان می اندازیم در این مضحکه شرکت نمیکنیم! ما انتخاب مان را بعد از قیام میکنیم! بعد از اینکه جمهوری اسلامی را سرنگون کردیم، بعد از اینکه سپاه پاسداران را منحل کردیم، بعد از اینکه ارتش را خلع سلاح و منحل کردیم، بعد از اینکه کل موقوفات و دارودسته های مذهبی و حوزه های علمیه را به نفع مردم مصادره کردیم، همه آخوندها را فرستادیم یک شغل شرافتمند پیشه کنند، آزادی سیاسی را

تضمین کردیم، اجازه دادیم مردم بیایند و بشنوند که انتخاب هایشان چیست، مکابیزم اقتصادی نمیتواند جذب کند. یک راه جذب سرمایه برای رژیم این است که شانتاژ کند و بگوید اگر به من سرمایه ندهید اسلحه اتمی درست میکنم. زرد برادر شغال است. به حال ما فرقی ندارد. مسئله امروز این است که عمر جمهوری اسلامی تمام شده است. تمام آلترناتیوهای که جلوی مردم می گذاشتند تمام شده و صورت مسئله مردم امروز وجود جمهوری اسلامی است. وزارت اطلاعات اعلام کرده کسی که میگوید در انتخابات شرکت نکنید دارد براندازی میکند. خودشان میفهمند. در نتیجه صورت مسئله هاشمی رفسنجانی یا معین یا کروبی یا قالیباف نیست. صورت مسئله جمهوری اسلامی است و جواب مردم به جمهوری اسلامی نه است.

*ثریا شهابی: با این حساب سیاست خارجی و مسئله های داخلی خودشان است. برگردیم به انتخابات و موضع حزب کمونیست کارگری - حکمتیست. حکمتیست گفته است انتخابات بعد از جمهوری اسلامی و نام انتخابات گذاشتن بر این ماجرا توهین به مردم است. چرا که در ایران فعال دفاع از حقوق کودک را دادگاهی میکنند، فعال اول ماه مه را زندانی میکنند. جالب این است که در ابتدا کمپین علیه انتخابات وسیع بود. اما امروز میبینیم خیلی از کسانی که با طرح های رفراژند و بیانیه های مختلف ظاهرا مخالف رژیم بودند و میخواستند قانون اساسی را عوض کنند، امروز دارند فکر میکنند و کم کم دارند "متوجه" میشوند که گویا بد نیست کاندیدی معرفی کنند.*

مثلا خانم مهرانگیز کار صحبت کرده که ممکن است کاندید زن داشته باشیم، خوب است شخصیت بین المللی باشد و به خانم عبادی اشاره دارد و چون خانم عبادی مطرح نشده، دارند به خانم مهرانگیز کار میگویند کاندید شود. او گفته چون خارج از کشور است نمی تواند کاندید شود. این بحث در بخشی از اپوزیسیون که طرفدار رفراوند و بیانیه ۵۶۵ نفره بودند مطرح است و دارند به این فکر میکنند که بد نیست کاندید برای انتخابات بدهند.

آیا میشود گفت تنها جریانی که واقعا مخالف این انتخابات است فقط کمونیست ها هستند؟ چون آنها دارند یارگیری میکنند و "متوجه" میشوند که شاید بد نیست در انتخابات کاندید معرفی کنند. چه خبر است؟

کوروش مدرسی: به نظر من نباید سطوح مختلف را با هم قاطی کرد. اولاً کسانی که کاندید رئیس جمهوری میشوند، از آن کسی که شناسنامه اش را عوض کرده و اسم خودش را گذاشته امام زمان و لباس سفید پوشیده و به نام امام زمان خود را کاندید کرده را شامل میشود تا رفسنجانی یک سیرک است. فردا ممکن است تعداد دیگری کاندید شوند و به این سیرک اضافه شوند. این سیرک است.

دوم اینکه یک سری از این جریانات پُلْتیک به معنی کلک زدن را با سیاست اشتباه گرفته اند. یک نفر از اینها باور نمیکنند که رفراوند عملی است. چه کسی باور میکند که جمهوری اسلامی خودش بیاید رفراوند بگذارد و رای به رفتن خودش بدهد و بعد سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات و همه اینها را دو دستی تحویل رئیس جمهور منتخب بدهند و برونند خانه! کسی که این طرح را رواج میدهد دارد سر مردم کلاه

میگذارد. ما یک جای دیگر هم گفته ایم که با "زبلی" نمی شود سیاست تعیین کرد. شما باید به مردم آن چیزی که حقیقت دارد را بگوئید. ما میگوئیم با وجود جمهوری اسلامی هیچ انتخابی ممکن نیست. با وجود قدرتمند بودن اسلام سیاسی در ایران هیچ انتخاباتی ممکن نیست. تا وقتیکه اسلام اسلحه در دست دارند و دارودسته هایی هست که میتوانند بمب به خودشان ببندند و برون وسط اجتماعات مردم، مانند عراق، اجتماع کردن مردم دیگر ممکن نیست. در نتیجه تنها راهش این است که این دار و دسته اسلامی کلا جارو شوند. این را قیام مردم میتواند ممکن کند. سخت است مردم قانع شوند قیام تنها راه است. چون ظاهرا قیام پدیده ترسناکی است. منتهی بطور واقعی کم دردترین راه برای خلاصی از شر این وضعیت است.

ثریا شهابی: اجازه بدهید همین جا بیرسم منظورتان از قیام چیست؟

کوروش مدرسی: منظور من این است که مردم به خیابان بریزند و دار و دسته های رژیم را جمع کنند. سپاه پاسداران را خلع سلاح کنند، رادیو و تلویزیون را بگیرند، نهاد های اسلامی را جمع کنند، به موسسات عام المنفعه تبدیل کنند، سران رژیم را دستگیر کنند و همان چیزی که ما در منشورمان گفته ایم عملی شود. یعنی اعلام کنند که جمهوری اسلامی تمام شده، سپاه پاسداران منحل شده، ارتش منحل شده، وزارت اطلاعات منحل شده. خامنه ای و کل سران جمهوری اسلامی در زندان هستند، کل تکایا و موقوفات را مصادره کردند، کل حوزه های علمیه را تعطیل کردند، آخوند ها را به خانه هایشان فرستادند، مردم در میلیس توده ای مسلح شده اند و از خود دفاع میکنند و قیام کنندگان دولتی تشکیل داده اند که آزادیهای مردم را تضمین میکنند. به این میگویند سرنگونی جمهوری اسلامی.

دستگیری و ممنوعیت اعدام این تناقضی نیست؟ حزب که مخالف اعدام است و در عین حال میخواهد سران جمهوری اسلامی دستگیر و دادگاهی شوند.

کوروش مدرسی: ما که نگفتیم آنها را اعدام میکنیم. ما میگوئیم اینها باید دستگیر و دادگاهی شوند. اعدام با قیام متفاوت است. مثل این است که یکی اسلحه گذاشته روی شقیقه شما و شما تیری به او میزنید و بعد کسی میگوید چرا؟ مگر شما مخالف اعدام نیستید؟ من مخالف اعدام هستم اما موافق خودکشی خودم هم نیستم. اگر نمیخواهید از سپاه پاسداران و از دارودسته آخوند کسی کشته شود، اگر کسی نمیخواهد از جمهوری اسلامی کسی کشته شود لطفاً به جمهوری اسلامی اندرز بدهد که در مقابل مردم مقاومت نکند.

ثریا شهابی: یعنی شکست اسلام سیاسی تعیین کننده است؟ کوروش مدرسی: شکست اسلام سیاسی و در هم کوبیدن دستگاه دولتی جمهوری اسلامی به معنای تمام و کمال کلمه. ثریا شهابی: حزب حکمتیست گفته انتخابات بعد از قیام و قیام را تا حدودی معنی کردید. میخواستم بیشتر در این مورد صحبت کنیم. حزب حکمتیست میگوید قیام و در عین حال خواهان ممنوعیت اعدام است. چیزی که رسانه ها در مورد قیام تبلیغ میکنند خشونت، خونریزی، اعدام و کشتار است. تعریفی که شما از قیام دادید شکست اسلام سیاسی، خلع سلاح آنها و دستگیری سران جمهوری اسلامی است. سوال این است

ثریا شهابی: در اطلاعیه حزب گفته شده قیام کم درد ترین و متمنانه ترین راه خلاصی از جمهوری اسلامی است. در عین حال راه امن کردن جامعه از عراقیزه شدن و تعرض دستجات اسلامی است. محصول قیام، برچیدن کامل

جمهوری اسلامی است. صحبت از دولت بعدی نیست؟

کوروش مدرسی: شما نمیتوانید جمهوری اسلامی را بردارید و بعد بگوئید هیچ دولتی نیست. دولت آتی دولت قیام کنندگان است. اینکه دولت قیام کنندگان چه ترکیبی دارد از حالا نمیشود گفت. این وقت قیام معلوم میشود. اما دولت آتی دولت قیام کنندگان است که مانیفست شان همان منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است. یعنی اعلام میکنند که جمهوری اسلامی تمام شد، زن و مرد برابرنند، آزادی بی قید و شرط اجتماعات هست، بیمه بیکاری هست برای همه، تا نتوانند مردم را از سر گرسنگی به رای دادن بکشاند یا بخرند شان و چماق دستشان بدهند و به تظاهرات ببرندشان. اگر همه مردم زندگیشان تامین باشد دیگر کسی نمیتواند تحت فشارشان بگذارد و به طرفی بکشدشان. اینها به اضافه اینکه مطالباتی که ما در منشور گفته ایم را عملی کنند. این میشود دولت قیام کنندگان. وقتی این شرایط پیش آمد آنوقت مردم میتوانند انتخاب آزاد و آگاهانه بکنند. آنوقت چه چیزی را انتخاب میکنند؟ ما فکر میکنیم ما را انتخاب میکنند. مهم این است که حق انتخاب را باید به مردم داد.

ثریا شهابی: میشود گفت که بعد از قیام شرایط آزادی که مردم حق انتخاب داشته باشند تامین است؟

کوروش مدرسی: تازه قیام این را تامین میکند. قیام و در هم کوبیدن جمهوری اسلامی و وجود یک دولتی که سبیل اراده قیام کنندگان باشد. یعنی اگر کسی علیه مردم اسلحه ای برداشت و رفت مثلا کارگران نفت را به گلوله بست این دولت آنچنان سرکوبش کند که دیگر کمر راست نکند.

قیام کنندگان حق زندگیشان را میخواهند، آزادی شان را میخواهند، ناچارند شکنجه گران را سرکوب کنند و برای

این کار احتیاج به دستگاه دولت دارند و این دولت، دولت قیام کنندگان است. یک دولت موقت تا وقتی که مردم تصمیم میگیرند با آینده جامعه چکار میکنند.

وقتی به این انتخابات نگاه میکنید بپراشه ای است برای اینکه جمهوری اسلامی را از زیر ضرب و خطر قیام مردم بیرون ببرد. مردم باید هوشیار باشند که این انتخابات صورت مسئله اش نه رفسنجانی است نه معین، نه سیاست خارجی است و نه سلاح هسته ای. هیچکدام از اینها نیست. صورت مسئله این انتخابات جمهوری اسلامی است و مردم "ته" شان را به جمهوری اسلامی گفته اند. امروز بعید میدانم کسی فکر کند بعد از اینکه خاتمی به این شکل رفت مردم باید به رفسنجانی رضایت بدهند. لابد پس فردا باید به خود خامنه ای رضایت بدهند یا ده نمکی. همه اینها دارودسته های یک کلوب هستند. چپ و راست و دارودسته های یک باند هستند که دارند مردم را میچاپند و بدبختی و فقر در آن جامعه حاکم کرده اند.

*ثریا شهبانی: خیلی ها گفته اند به این انتخابات نه بگوئید، لباس سفید بپوشید، بیرون نیائید و در انتخابات شرکت نکنید. همه میدانیم که مردم شرکت نمیکنند. گفتن اینکه شرکت نکنید فکر نمیکنم حرف زیادی باشد. منتهی حزب حکمتیست گفته انتخابات را به عکس خودش تبدیل کنید. کمپین های ضد انتخاباتی برقرار کنید و قیام مردم و تعرض مردم را خواسته است. برنامه اثباتی حزب در روزهای انتخابات چیست؟ یا تصویری که در روزهای انتخابات باید باشد چیست؟*

کورش مدرسی: ما نگفتیم روز انتخابات قیام کنید. اینطور نیست که هر روزی که شما بخواهید میتوانید قیام کنید. بای فاکتور های بسیار پیچیده تری در میان است. ما گفتیم برخورد فعال به مضحکه انتخابات بکنید. برخورد فعال بسته به جای آن دارد. مثلا بغل فیضیه قم یک جوری باید برخورد کرد، در همسایگی وزارت اطلاعات یک جور دیگر. در سندج یک جوری برخورد میشود کرد، در مشهد یک جور، در پالایشگاه و کارخانه یک جور دیگر. بحث ما این است برخورد منفعل نکنید. رفتن کافی نیست. اگر میتوانیم برویم بهم بزیم، هر جا که میتوانیم. صندوقهای رای را به هم بزیم، پیکت بگذاریم، مردم را روشن کنیم. کسانی که فریب خورده اند یا به هر دلیلی خودشان را فریب میدهند و فکر میکنند کلک میزنند که "خوب یکی می آید که کمی از دیگری بهتر است"، را قانع کنیم که شرکت نکنند. در کوچه و محله مان به مردم بگوئیم نروید رای بدهید. کمپین فعال را شروع کنیم و هر جایی که میتوانیم بهم بزیم. بساط این انتخابات را بهم بزیم. گفتیم بحث ما این است که مردم باید برخورد فعال بکنند. صورت مسئله این انتخابات جمهوری اسلامی است. و هر کسی به هر دلیلی و با هر توجیهی به مردم میگوید در این انتخابات شرکت کنند یا بروند رای نه در صندوق بیندازند یا رای نفراندم یا هر چیز دیگری، دارد وجود جمهوری اسلامی را توجیه میکند و دو فاکتو وجود جمهوری اسلامی را به مردم می قبولاند و میگوید بالاخره این یک جور انتخابات است. این انتخابات نیست. مضحکه است و کسی که این را به مردم نمیگوید و رفته خودش را درگیر این کرده که کدام جناح بهتر از کدام جناح است یا شعور مردم را دستکم گرفته یا در حفظ نظام شریک است.

بخش راست جامعه میترسد مردم به خیابان بیایند چون فکر میکنند اگر مردم به خیابان بیایند زندگی این ها هم لطمه میخورد. این بخش شریک "بخور بخور" جمهوری اسلامی است و فکر میکند مردم به خیابان بیایند بساط آنها هم بهم میریزد. در نتیجه مدام میگویند نکنید! شلوغ میشود! خونریزی میشود! اجازه مردم به خیابان نیابند! اجازه بدهید "خرد" "خرد" و قدم به قدم جمهوری اسلامی بهتر شود. تا جمهوری اسلامی بخواهد بهتر شود، ده دوازده نسل آمده اند و رفته اند. چندین میلیون نفر آدم بدبخت شده اند. دچار بیمار روحی و جسمی شده اند، چندین نسل به تباهی فیزیکی و معنوی کشیده شده اند. در نتیجه نباید به این وضعیت تن داد. نمیشود به برده بگوئید حالا وایستا من "خرد" "خرد" بردگی را بر میدارم. بردگان میگویند دیگر نمیخواهند برده باشند.

*ثریا شهبانی: تشابه جالبی بود وقتی گفتید این انتخابات سیرک است. من میخواهم اضافه کنم جریاناتی که به نحوی یک پایشان در انتخابات است و یک پایشان اینور است. میشود گفت اینها از امنیت سیاسی قضائی و مادی برخوردارند و اعتراضی به جمهوری اسلامی ندارند.*

کورش مدرسی: نه الزاما. به نظر من بعضی شان زیر فشار هستند. بعضی شان را دستگیر میکنند و بعد ول میکنند. بعضی هایشان مجبورند حرفهایی بزنند بخاطر اینکه در شرایط علنی دارند فعالیت میکنند. منتهی به نظر من همه اینها یک نقطه مشترک دارند. آنهم اینکه از مردمی که آمده اند در خیابان و سرنوشت شان را بدست گرفته اند بیشتر از وضعیت فعلی جمهوری اسلامی میترسند و این نقطه

مشترک همه آنها است و بعضی هایشان هم "زبلی" میکنند. من بعید میدانم یکی از اینهایی که میگویند رفرا ندیم قبول داشته باشند رفرا ندیم عملی است. فکر میکنند "زبلی" میکنند و حالا حرفی را در دهان مردم می اندازند. به مردم راست نمیگویند. رفیق ما در تهران ممکن است وقتی دارد سخنرانی علنی میکند، نتواند همه حرفش را بزند و بگوید مرگ بر جمهوری اسلامی، باید تناسب قوا را در نظر بگیرد، اما به مردم دروغ نمیگوید. این را ما تضمین میکنیم.

*ثریا شهبانی: طرفداران رفرا ندیم و بیانیه ها، از طرح های خودشان عبور کرده اند. شکست طرح هایشان معلوم است. الان متوجه انتخابات هستند. چون ممکن است این برنامه را نزدیک انتخابات مجددا پخش کنیم، دوست داشته مستقیما خطاب به مردم در مورد انتخابات بگوئید، اینکه چگونه میتوانند آمال و آرزوهای شان را که نفرت از جمهوری اسلامی، نفرت از اسلام و نفرت از زن ستیزی است بیان کنند؟ در این مضحکه انتخابات در مقابل این سیرکی که رژیم بنام حق انتخاب مردم راه انداخته اند مردم چگونه میتوانند مقابله کنند؟*

کورش مدرسی: صحبت من با مردم این است که این مضحکه انتخاباتی صورت مسئله اش نه سیاست خارجی است نه رفسنجانی است و نه صورت مسئله اش این جناح و آن جناح جمهوری اسلامی است. صورت مسئله انتخابات، خود با شکست دو خرداد و با

معلوم شدن دروغهایی که دو خرداد به مردم گفت و شکست کل تئوری و فلسفه آنها، صورت مسئله مردم جمهوری اسلامی شده. و امروز میخواهند صورت مسئله مردم را سیاست خارجی، بمب اتمی، "خوش و بش" کردن با نکردن با امریکا قلمداد کنند. این مسئله مردم نیست. مسئله مردم رفتن جمهوری اسلامی است. هر نوع انتخاباتی از طرف مردم تنها بعد از جمهوری اسلامی معنی پیدا میکند. وقتی که مردم جمهوری اسلامی را ساقط کرده باشند، وقتی که دارودسته های مذهبی را خلع سلاح کرده باشند، وقتی که سران جمهوری اسلامی را به زندان انداخته باشند، وقتی که سپاه پاسداران و ارتش را خلع سلاح کرده باشند، وقتی که حوزه های علمیه را تعطیل کرده باشند، وقتی تمام مساجد و تکایا و همه پولهایی که اینها دارند را به نفع مردم مصادره کرده باشند، وقتی که آزادی بی قید و شرط بیان، تشکل و تجمع را تضمین کرده باشند، وقتی که مردم معیشت داشته باشند و بیمه بیکاری مکفی داشته باشند که نشود به ضرب گرسنگی دادن به بچه های مردم آدمها را پای صندوق رای آورد و یا به چماق بدست تبدیل کرد، در این شرایط است که مردم حق انتخاب خود را تضمین کرده اند. در این ماجرا صورت مسئله جمهوری اسلامی است و مردم نه تنها نباید در این مراسم به اعتبار کردن خود شرکت کنند بلکه باید فعالانه تا آنجائیکه میشود سعی کنند آنرا بهم بزنند. تعداد هرچه بیشتری از دوستان، همسایگان، در مدرسه و دانشگاه و کارخانه که را قانع کرد نباید در این انتخابات شرکت کرد. نباید در آری گفتن به بخشی از دستگاه این رژیم شریک شد. جواب ما به این رژیم نه است.



**مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**